

انتخابات دوازدهم؛ «پدرخوانده‌ها» از راه می‌رسند

آرمان امروز نوشت: ساختارهای سیاسی ایران باتوجه به موانع و ساختارها در حال تغییر چهره است. اگر به چهره‌های شاخص حاضر در فضای سیاسی نگاهی بیندازیم می‌بینیم که با نسل جدیدی از سیاستمدارانی روبه هستیم که جای چهره‌های شاخص نظام مانند «اکبر هاشمی رفسنجانی»، «علی‌اکبر ناطق نوری»، محمدتقی «مصباح یزدی»، «رییس دولت اصلاحات» و ... را گرفته‌اند که نه می‌توان آنها را اصلاح‌طلب صرف نامید و اصولگرای سنتی دانست.

به گزارش سایت خبری پرسون، در این گزارش به «پدرخوانده‌های جدید فضای سیاسی ایران» اشاره خواهیم کرد که باتوجه به سوابقی که در نظام دارند و جریان‌هایی که ساخته‌اند در آینده تأثیرات فراوانی را به‌وجود خواهند آورد. این نکته را در نظر بگیرید که آنچه ما در این گزارش «پدرخوانده» می‌نامیم خارج از تعریف مفایبی آن است. در واقع پدرخوانده‌های سیاسی افرادی محسوب می‌شوند که نخبگان و فعالان سیاسی برای حضور در میدان به حمایت‌های این چهره‌ها احتیاج دارند.

مورد دیگری که در مورد این تغییرات باید عنوان کنیم تکنوکرات بودن بخشی از این جریان‌ها است که تلاش می‌کنند با چهره جدید و البته مرام‌نامه‌های تازه تدوین شده وارد رقابت‌های انتخاباتی شوند. در هفته‌های اخیر مرتب از لیست‌هایی صحبت می‌شود که به دور از جبهه‌ها و شوراهایی مانند شورای وحدت در رسانه‌ها مطرح می‌کنند. باتوجه به انتخابات چند دوره گذشته برخی معتقدند بدون در نظر گرفتن ظرفیت پدرخوانده‌ها تکمیل شده بود. مانند لیست امید که بسیاری از اصلاح‌طلبان معتقد بودند که بدون در نظر گرفتن عدالت منتشر کردند. یا لیست اصولگرایان برای مجلس یازدهم که بسیاری معتقدند جبهه‌پایداری بیش از سایرین در آن سهم داشت. سهم‌خواهی از جمله اهداف پدرخوانده‌ها محسوب می‌شود تا بتوانند همچنان با نفراتی که در سیستم سیاسی ایران دارند حیات سیاسی خود را حفظ کنند. لازم به ذکر است که در این گزارش به پدرخوانده‌هایی که «برنامه انتخاباتی» ندارند اشاره نخواهیم کرد.

به‌عنوان مثال در انتخابات دوره‌های هشتم، نهم و حتی دهم کسی انتظار نداشت که علی لاریجانی، اسحاق جهانگیری، حسن روحانی، صادق محصولی و ... خودشان مدعی انتشار لیست باشند ولی حالا در واقع این چهره‌ها می‌خواهند به خطوط قرمزشان احترام گذاشته شود.

حسن روحانی

بعد از فوت مرحوم رفسنجانی همه بر این موضوع تأکید دارند که حسن روحانی جانشین او خواهد بود. همانطور که رفسنجانی بعد از پیروزی روحانی در انتخابات ۹۲ به آن اشاره کرد. روحانی را باید جزو معدود نفرات نظام بدانیم که همه جایگاه‌ها را تجربه کرده است. او هفتمین رییس جمهور، ۵ دوره نمایندگی مجلس شورای اسلامی و ۳ دوره نمایندگی مجلس خبرگان، اولین دبیر شورای امنیت ملی را در کارنامه دارد. جریان او را باید با حزب «اعتدال و توسعه» که «محمدباقر نوبخت»، دبیرکل آن است می‌شناسیم که عمدتاً افراد تکنوکرات و معتدل را در اختیار دارد.

صادق محصولی

گویا او علاقه‌ای به داشتن سمت‌های دهن پرکن ندارد و بیشتر سایه‌نشینی را ترجیح می‌دهد. محصولی را عمدتاً با فعالیتش در سپاه پاسداران می‌شناسند. با این حال او گزینه احمدی‌نژاد برای وزات نفت بود ولی نپذیرفت اما در ادامه به‌عنوان وزیر کار و همچنین وزیر کشور به کابینه دولت نهم پیوست. او حالا دبیرکل جبهه پایداری است. بسیاری او را جزو تئورسین‌های اصلی این جریان می‌دانند.

محمود احمدی‌نژاد

احمدی‌نژاد را باید پدرخوانده خانه‌نشین بدانیم. او ریاست دولت‌های نهم و دهم را بر عهده داشت. احمدی‌نژاد را به‌عنوان جنجالی‌ترین شخصیت‌های سیاسی معرفی می‌کنند که حتی بعد از اتمام مسوولیت باز هم می‌خواهد در صدر بماند. احمدی‌نژاد استانداری اردبیل و شهرداری تهران را در کارنامه دارد. هرچند به‌صورت رسمی در حزبی حضور ندارد و یا روابط پشت پرده‌اش را علنی نمی‌کند ولی همین حالا هم در مجلس و هم در دولت نفرات پرنفوذی را زیر نظر دارد. احتمالاً اطرافیان او را به‌صورت پراکنده در برخی از لیست‌های تندروها و مستقلین خواهیم دید.

علی لاریجانی

بسیاری معتقدند که اگر برای انتخابات ۱۴۰۰ رد صلاحیت نمی‌شد می‌توانست رقیب جدی برای رسیدن به پاستور باشد. «علی لاریجانی»، از جمله سیاستمداران ایران است که تلاش دارد با تعامل فضای سیاسی را اداره کند. او ۳ دوره ریاست مجلس، وزارت ارشاد، ریاست سازمان صداوسیما، دومین دبیر شورای امنیت ملی را در کارنامه خود دارد. بسیاری او را رییس جمهور آینده ایران می‌دانند. باتوجه به اینکه او در هیچ حزبی حضور ندارد ولی در سال‌های اخیر به برجسته‌ترین سیاستمدار ایران تبدیل شده است که بسیاری جریان او را برنده احتمالی انتخابات اسفند می‌دانند. برخی از برجسته‌ترین نمایندگان سابق مجلس در اطرافش تجمع کرده‌اند تا بار دیگر بتوانند وارد بهارستان شوند. این جریانی خواهد بود که می‌تواند با تندروها رقابت و حتی

آنها را حذف کند.

اسحاق جهانگیری

او سهمیه اصلاح‌طلبان در دولت‌های یازدهم و دوازدهم بود. «اسحاق جهانگیری»، به‌عنوان ششمین معاون اول ریاست جمهوری ایران شناخته می‌شود. او وزیر صنایع و معادن دولت اصلاحات بود. همچنین جهانگیری در کارنامه خود سابقه دو دوره نمایندگی مجلس و استانداری را در کارنامه دارد. بسیاری او را از جمله‌گزینیه‌های جریان اصلاحات برای ریاست جمهوری می‌دانند. معاون اول دولت‌های یازدهم و دوازدهم به‌عنوان کاندید پوششی روحانی در انتخابات ۹۶ حضور داشت ولی حالا حرف‌های زیادی برای گفتن دارد.

محمدباقر قالیباف

او خود را در قامت یک رییس جمهوری می‌داند. «محمدباقر قالیباف» هم‌اکنون ریاست مجلس پرحاشیه یازدهم را بر عهده دارد که به‌عنوان مجلس یک دست اصولگرا شناخته می‌شود. او ۱۲ سال شهردار تهران بود. قالیباف فرماندهی فراجا را بر عهده داشت. با ورودش به مجلس طیفی را رهبری می‌کند که با نام «نواصولگرایان» شناخته می‌شود که به‌نظر باتوجه به مهره‌هایی که در اختیار دارد می‌تواند در مجلس آینده هم حضور داشته باشند. او را باید جدا شده از اصولگرایان بدانیم که به‌عنوان تنها پدرخوانده این گزارش در لیست‌های انتخاباتی حضور خواهد یافت.

محمدرضا باهنر

«محمدرضا باهنر»، تجربه هفت دوره نمایندگی مجلس را در کارنامه دارد و همچنین از جمله اصولگرایانی محسوب می‌شود که خط خود را از تندروها جدا کرده است و گاهی هم ساز اصلاح‌طلبی می‌زند و با مرامی میانه‌رو سعی دارد همچنان در دایره سیاسی ایران حضوری فعال داشته باشد. او دبیرکل حزب جامعه مهندسين اسلامي را برعهده دارد و در انتخابات اسفند نزدیکان او احتمالا در ائتلاف‌های احتمالی حضور خواهند داشت.

اسدالله بادامچیان

او دبیرکل حزب سنتی موتلفه است. در کارنامه خود معاونت سیاسی قوه قضاییه (در دوره مرحوم محمد یزدی) و ۲ دوره نمایندگی مجلس را دارد. گویا در این دوره انتخابات می‌خواهد جایگاه خود و حزبش را ثابت کند. باتوجه به مصاحبه‌هایی که انجام می‌دهد و باتوجه به اینکه از شاخص‌های اردوگاه اصولگرایی محسوب می‌شوند ولی منتقد پایداری‌ها محسوب می‌شود. او معتقد است در لیست دوره گذشته مجلس سهم موتلفه را نداده‌اند.